

بهلول گروهی را دید که مسجدی می سازند و ادعا می کنند که برای خداست.

او بر سنگی نوشت: بانی این مسجد بهلول است و آنرا شبانه بر در مسجد نصب کرد.

روز بعد که کارگران سنگ را دیدند، به هارون الرشید ماجرا را گفتند. او بهلول را حاضر کرد و پرسید: چرا مسجدی را که من می سازم به نام خودت کرده ای؟

بهلول گفت: اگر تو مسجد را برای خدا می سازی، بگذار نام من بر آن باشد! خدا که می داند بانی مسجد کیست، او که در پاداش دادن اشتباه نمی کند. اگر برای خداست چه نام من باشد چه نام تو این که مهم نیست!!